

« قانون »

به نصاب است از آن که غیره در ضمن است  
در صورتی که بعد از آن بیع تصدیق است

سپه کرد شده از سفید  
گفته می بود « قانون » روان  
ز این تم گذشت تا به امروز  
مزاران سال ~~تجدید~~ ~~تجدید~~ ~~تجدید~~  
مزاران سال ~~تجدید~~ که زنگ  
باید در گذشت جای گریه  
مقتضی می بود دارم گزین  
که حتی گفتن آنان تصحیح است  
بدین که تا این جوهره ضابط

چرا دارا بیخ چشم ندیدگار  
که از آن نایب گزید جسم و جانم  
سپه بیع بر ما کینه افروز  
بیل غریب  
بیل غریب مانند نام ننگ  
که از بیم تو بیک راه بگریم  
نفرین از آن کس که بسند به سینه  
اگر دانی چه عبادی گشته است  
خدا را ام بر آن کوشش باشد

x x x

در این آن سپه نامه بر آفت  
بی و شرم کن ببلخ عداوت  
در از روز پیدار شد بر این  
چو با هم متحد بودند در میان  
در آن ایام « قانونی » بودی  
همه یک جور خردار بودند  
که سگونی که او بی بی بود  
بر آن حکم بود رسم عداوت  
سپه و زرد و سرخ و رنگ این  
همه دردی از آن در همین صراحت  
اگر « قانون » امروز عکس این بود  
بر آن نفرت که بر ما می فریاد  
بنا گفتن بزمی این چیست و آن چون

بآن چه مدحی استون بر گفت  
فرانگیز از سپه رحم و شروت  
درون غار؟ بپرسم و آشن  
به آنان شک به نام آن  
که امروزه سینه بر تو بودی  
در صلح و خصما می گزودند  
ول سگونی توئی ای چه توغری  
ندیدند گنج از هم جز عداوت  
نه بر « قانون » که آید روی کاغذ  
که « قانون » که بر است بیای بر صراحت  
دل آنان سو بر چشم و کین بود  
بجز دست ما دهیم به بر عذای  
و بر آن بیکه از اصل « قانون » ای؟

شم آری است ۱۹۸۶  
افکتان



